**مسابقه از بیانات رهبری درمورد استکبار جهانی**

**استکبار جهانی از دیدگاه مقام معظم رهبری**

شما امروز می بینید که عده ای در ظاهر مصلحت اندیشانه و در باطن از روی رعب و ضعف پایه های باور و یقین، می گویند بیاییم کلمه ای بگوییم و قدمی به طرف این ها (قطب جهانی یا بخش هایی از این قطب قدرت جهانی که دنیایی که امروز می خواهند، دنیای تک قطبی است) برداریم!...  
اولین زیانی که از عقب نشینی ملت ایران به وجود می آید، این است که این دستاورد عظیم افکار عمومی دنیای اسلام علیه او خواهد شد؛ این ها تلاش می کنند این کار انجام شود. ما خبر داریم که در دنیای اسلام پول ها خرج می کنند؛ مطبوعات، رسانه ها، اینترنت، که به افکار عمومی دنیای اسلام وانمود کنند که جمهوری اسلامی دو زبانه و دو رویه عمل می کند؛ در باطن کاری می کند، در ظاهر حرف دیگری می گوید؛ می خواهند این را ثابت کنند، تا ایمان و افکار عمومی امت اسلامی را سلب کنند و پشتوانه ی عمیق و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی را از آن بگیرند؛ هدفشان این است. (1)

**نرمش و ملایمت در برابر دشمنان باعث انصراف آن ها از خصومت ها و جنایت ها نمی شود**

دشمنی که در مقابل ما است، دشمنی است که از ارزش های انسانی بویی نبردهاست. اگر ملتی را ضعیف و تسلیم پذیر و توسری خور یافت، لحظه ای برای ضربه زدن و لگد مال کردن درنگ نمی کند.  
دشمنان ما این قلدرهای معروف جهانی و در رأسشان آمریکا جز زبان زور و قلدری هیچ چیز دیگر را نمی دانند ودرک نمی کنند. این طور نیست که ملایمت کردن در مقابل آن ها و روی خوش نشان دادن، موجب جلب همکاری یا محبت و یا انصراف آن ها از خصومت ها و خباثت ها شود.

روح فرعونی خبیثی که در طول تاریخ، ملت ها و انسان ها را همواره لگدمال کرده و مورد ظلم قرار داده، امروز دل کالبد همین قدرت ها حلول کرده است. آن ها هرگونه نرمشی را، دلیلی بر اقتدار خودشان می گیرند. (2)  
چشمه سار امید و معرفت و انگیزه امت اسلامی، ایران است؛ طبیعی است که بیشترین فشارهای جبهه ی استکبار بر ملت ما باشد.  
این جریان که امروز در دنیای اسلام به وجود آمده، سرچشمه اش نهضت عظیم اسلامی در ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی است که بینات و حقایق آشکار آن، سخنان امام و خط و راه امام بود که هر جا در دنیای این حرف ها رفت، بدون این که بدانند گوینده ی آن کیست، حرف ها در لوح دل انسان های حق طلب ترسیم شد و نام امام به تبع این حرف ها و شعارها در دل های مردم جا گرفت، تا این نهضت را به برکت امام در همه جا شناختند.  
یک روزی بود که اگر دستگاه های استکباری دنیا - اعم از آمریکا یا انگلیس یا شوروی سابق، یا در دوران های قبل، فرانسه و هلند و پرتغال و بقیه ی کشورها-می خواستند وارد کشورهای اسلامی شوند، چیزی به نام هویت اسلامی و امت و شخصیت اسلامی جلوی آن ها را نمی گرفت. امروز اسلام به برکت نظام جمهوری اسلامی، مسلمان ها را از متجاوزان طلبکار کرده و امید در دل به وجود آورده است.یک روز بود که اگر می گفتند مسلمان ها بیدار شوید، اقدام و حرکت کنید، تا بتوانید خودتان را از این زنجیرها رها کنید، خیلی ها بودند که قبول داشتند این کار خوبی است، ولی می گفتند شدنی نیست و نمی شود؛ اما امروز با تحقق این واقعیت در جمهوری اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، این «نمی شود»ها و ناامیدی ها تبدیل شده است به امید؛ لذا شما می بینید که در محاصره ی سخت و ظالمانه و خشن صهیونیست ها، یک مشت ملت غیر مسلح از همه جا بریده ی فلسطین، چند سال است که دارند مقاومت می کنند؛ ای امید است که آن ها را نگه داشته.  
این ملت، این هایی که امروز در فلسطین مقاومت می کنند، از جای دیگری نیامده اند؛ این ها همان کسانی اند که پنجاه سال زورگویی و تکبر و تسلط صهیونیست ها را تحمل کرده بودند و کاری هم نمی کردند. نهایت کارشان این بود که تعدادی از جوان هایشان بروند در کشوری دیگر و بعد از مدتی برگردند و ضربه ای بزنند و باز دوباره در بروند.  
ای جنبش هایی که -سازمان آزادی بخش فلسطین و دیگران- شنیده اید، هنرشان همین بود. این که در درون حصار صهیونیست ها، یک ملت بتواند این طور بایستد؛ خانه و مسجدش را خراب می کنند، شخصیت هایش را می کشند، بچه هایشان را شکنجه می کنند، هزاران نفر از آن ها را در زندان نگه می دارند، خانه هایشان را غارت می کنند، آن ها را در محاصره نگه می دارند، مزارع شان را نابود می کنند، درخت هایشان راقطع می کنند؛ جنایت هایی که یک دهم آن هم به بیرن منعکس نمی شود، و باز این ملت مقاومت کند، چیزی نیست جز این که «امید» است که آن ها را نگه داشته است.  
خود مبارزان فلسطین در طول این سال های متمادی که به کشور جمهوری اسلامی می آمدند، به ماها می گفتند این حرکت امام و حرکت ملت ایران به ماها امید بخشید؛ واقع قضیه هم همین است. عین همین قضیه در عراق هست، عین همین قضیه در هر جایی که شما حرکت اسلامی را در آن جا مشاهده می کنید، هست. این موضوع تقریبا کمابیش در سرتاسر دنیای اسلام وجود دارد؛ اما قله این جاست؛ چشمه سار ایمد و معرفت و انگیزه از این جاست که سرازیر می شود و به سمت امت اسلامی می رود. پس شما امروز در چنین تجربه ای قرار دارید. طبیعی است که بشترین فشارهای جبهه ی استکبار روی این جا باشد و هست. (3)  
عده ای بحث توهم توطئه را مطرح می کنند، خیال می کنند آمریکا علیه ما توطئه نمی کند ما امروز در دوران حساسی هستیم؛ آیا جوان می تواند بی تفاوت بماند؟ حمله دشمن به ما یک امر طبیعی است. هیچ لازم نیست که ما دستگاه های ویژه ای داشته باشیم تا از اعماق کارهای برای ما خبر بیاورند که البته خبرهای ویژه هم داریم؛ این طورنیست که نداشته باشیم اما اگر آن خبرها را هم نداشتیم، خیلی واضح و منطقی و طبیعی است که دشمن علیه ما توطئه کند.  
عده ای می آیند و بحث توهم توطئه را مطرح می کنند. در دانشگاه و محیط روشنفکری کشور، انسانی خجالت نکشد و بگوید توطئه توهم است؛ دشمن علیه ما توطئه نمی کند؛ آمریکا علیه ما توطئه نمی کند! - گفت: مادر من چه اشتباه می کند؛ به خیالش که گربه هم لولوست!- آمریکایی های به این نازنینی!... در دوره جنگ تحمیلی شخصیت های متعددی به ایران می آمدند و می رفتند. یکی از شخصیت هایی که من او را فراموش نمی کنم، احمد سکوتوره است. اورئیس جمهور گینه کوناکری در غرب آفریقا و یکی از شخصیت های برجسته و خیلی محترم در قاره آفریقا بود.  
متأسفانه مطالعات تاریخی سیاسی جوانان ماضعیف است؛ این ها را باید شما خیلی مطالعه کنید و بدانید. در کشور غنا در غرب آفریقا انقلاب شد و شخصیت آفریقایی خیلی برجسته ای به نام قوام نکرومه سرکار آمد که بعد علیه او توطئه های زیادی توطئه های غربی و آمریکایی و غیرآمریکایی صورت گرفت. در یکی از سفرهایی که قوام نکرومه به خارج رفته بود، در غیاب او یک کودتای دسته راستی غربی در این کشور راه انداختند که او دیگر مجبور شد به کشورش نیاید.  
همان موقع احمد سکوتوره از قوام نکرومه دعوت کرد و گفت به کشور من بیا و تورئیس جمهور کشور من باش. چنین شخصیتی، قوام نکرومه را به کشور خودش آورد. در زمان ریاست جمهوری و آن دوره ای که بنده در سیاست خارجی به طور اجرایی و عملی فعال بودم، از رجال سیاسی دنیا، کمتر شخصیتی را به قوت او دیدم. او تقریبا سه مرتبه به ایران آمد. البته فشار آورده بودند تا برای میانجیگری جنگ به ایران بیاید. او در دیدارهای خصوصی داخل اتومبیل و در رفت و آمدها حرف های خوبی می زد. می گفت اگر بعد از انقلاب به شما حمله نظامی نمی شد، من تعجب می کردم؛ بنابراین تعجبی ندارد که به شما حمله کرده اند. تصریح می کرد که حمله عراق علیه شما، سازمان یافته، از پیش طراحی شده و کار بین المللی است، نه کار کشور عراق. راست هم می گفت، همین طور بود.حمله نظامی کردند، به خیالشان قضایا تمام می شود، اما نشد؛ محاصره اقتصادی کردند، اما نشد. این بیست و دوسال مرتب دارند فشار می آورند و اذیت می کنند. این دشمنی ها طبیعی است. راه مقابله با این دشمنی ها تسلیم شدن نیست... کنار آمدن، یعنی تحقیر و به اسارت دادن یک ملت؛ یعنی تأمین خواسته دشمن درباره یک ملت. نجات زا این دغدغه ها و مشکلات، یک راه بیشتر ندارد و آن، فکر کردن، اندیشیدن، ضد حمله فراهم کردن و دشمن را به ستوه آوردن است. نسل جوان در چنین میدانی است که تکلف و مسئولیت دارد. (4)

نوکران بی جیره و مواجب استکبار در داخل کشور اشخاصی هستند که:  
این را از باب این که امروز این نظام اسلامی تنها سنگر مبارزه ی با ظلم و استکبار در دنیاست و هیچ جای دیگر این چنین سنگری وجود ندارد، می گویم.  
امروز خیلی از دولت ها علی رغم ملت ها و روشنفکران و احساسات باطنی و قلبی خود، عتبه ی آمریکا و حتی عتبه ی صهیونیسم را بوسیده اند؛ خیلی از تپارلمان های اروپایی هم عتبه ی صهیونیست ها را بوسیده اند و غلام پولشان شده اند؛ به قول معروف نوکر بند جیب آن ها شده اند.  
آن مرکز و قدتری که به عنوان یک دستگاه رسمی سیاسی شناخته شده ی در دنیاست با تریبون هایی که برای یک چنین دستگاهی وجود دارد و به یک ملت شصت میلیونی متکی است و همچنان سنگر دفاع از آزادی خواهی و عدالت و آرمان های بشری و انسانی و بین المللی شمرده می شود، ایارن اسلامی امروز است. دفاع از این نظام، وظیفه ی همه است، مخصوص کسی که عضو نظام هست و تجزو تشکیلات دولتی یا غیره هست یا نیست، نمی باشد؛ همه باید دفاع کنیم. اگر کسی بر خلاف این عمل کرد، لازم نیست که کسی سند بیاورد که این مثلا وابسته ی فلان دستگاه و سیستم جاسوسی دنیاست؛ لازم هم نیست رسما وابسته باشد، اما همان حرف را دارد می زند و همان کار را می کند؛ اگر پولی هم از آن ها نمی گیرد، در واقع نوکر بی جیره و مواجب آن هاست. (5)

**عده ای گول خورده و غافل خیال می کنند رابطه با آمریکا مشکلات کشور را حل می کند**

استکبار وارد هر کشوری می شود، دسعی می کند آن کشور را تهی کند؛ یعنی تا هر جا بتواند، همه چیز آن کشور را به نفع خود مصادره کند.

سوال سوم: استکبار وارد هر کشوری می شود، دسعی می کند آن کشور را تهی کندبه چه معناست؟

الف: مشکلات اقتصادی آن کشور را حل کنند.

ب: مشکلات سیاسی آن کشور را حل کنند

ج:تا هر جا بتواند همه چیز آن کشور را به نفع خود مصادره کند

د: هیچ کدام  
امروز خود آمریکایی ها یعنی همان دستگاه تبلیغاتی ای که گفتم در صف مقدم، و بعضی قلم به مزدهای واقعا حقیر و پست، و شاید هم یک عده گول خورده و غافل در داخل کشور ما خیال می کنند که اگر آمریکا ارتباطاتش با کشوری مثلا جمهوری اسلامی عادی شد و رابطه برقرار کردند، ناگهان همه ی مشکلات اقتصادی ملت ایران حل خواهد شد! اگر کسی این طور فکر کند، خطای عظیمی مرتکب شده است. (6)

**سلب اعتماد مردم از کارایی نظام، از جمله اهداف آمریکا است**

یکی از مسائلی که این ها [آمریکا و نظام سلطه] به شدت دنبال آن هستند، سلب اعتماد مردم از کارایی نظام است. بعضی از حرف هایی که می شنوید، اتفاقی نیست. تصادفی نیست که بعضی کسان بیایند در باره ی نظام اسلامی بحث کنند و بحران مشروعیت نظام را مطرح سازند. نظامی که با رأی و خواست و مجاهدت مردم و با این همه احساسات و عواطف سر کار آمده، با این همه مشکلات دست و پنجه نرم کرده و از این همه دشمنی ها و مقابله ها سرافراز بیرون آمده و همه هم به کمک مردم بوده است آن وقت بیایند این نظام را زیر علامت سؤال بگذارند و بگویند بحران مشروعیت! تصادفی نیست. بعضی از حرف هایی که می بینید در بعضی از تریبون ها پخش شود، همه در جهت همین تصویرسازی منفی از نظام اسلامی در ذهن مردم و برای سلب اعتماد آن هاست تا آن مقصود حاصل شود؛ یعنی گسستگی پیوند میان مردم و نظام. (7)

**تردید افکنی در ارزش های اصولی و بزرگ نمایی مشکلات از جمله نیازهای قطعی آمریکا است**

تردید افکنی در ارزش های اصولی، بزرگنمایی مشکلات و نفی موفقیت ها، از نیازهای قطعی آمریکاست. آمرکا به این عوامل و شرایط نیاز دارد تا بتواند موافقیت خود را در تقابل با جمهوری اسلامی تضمین کند. هر کس در این زمینه ها به نفع آمریکا کار کند، در واقع زمینه سازی می کند برای این که آمریکا بتواند مقاصد خودش را، ولو با شیوه ی نظامی یا شبه نظامی، نسبت به ملت ایران انجام دهد. (8)

سوال چهارم :مهمترین نیازهای قطعی آمریکا چیست؟

الف: تردید افکنی در ارزش های اصولی

ب: بزرگنمایی مشکلات

ج: نفی موفقیت ها

د: همه موارد

**دخالت های قلد مآبانه آمریکا در کشور در قالب شعارهای فریبنده**

الان شما ملاحظه بکنید-نمیخواهم این جا بحث سیاسی بکنم؛ فقط به عنوان مثال می گویم، برای این که شماها به این نکات توجه کنید- آمریکا مثل یک سزار و یک نمرود عمل می کند. هر دولت یا هر ملتی بد باشد، با زور و با قلدری وارد میدان می شود! همین زور و قلدری و خباثتی که جز برای نفت و منافع صنفی کمپانی ها و کارتل های بین المللیف برای چیز دیگری نیست. همین را با لباس حمایت از افکار آزاد، حمایت از حقوق بشر، دمکراسی و قالب هایی نظیر آن، در دنیا عرضه می کند. عین همین قضیه نسبت به مسائل داخلی آن ها هم هست. (9)

**لزوم بیداری بیش از پیش جوانان در مقابل استکبار**

امروز یکی از کارهای اساسی استکبار این است که نسل جوان را در کشورهای اسلامی و هر کشور اسلامی که بیدارتر است، بیشتر از صحنه بیرون کند. کدام کشور اسلامی از همه بیدارتر، از همه زنده تر، و از همه بی محاباتردر مقابل استکبار ایستاده است؟ جز ایران اسلامی؟ پس، جوانان ایران اسلامی بدانند که استکبار برای بیرون راندن آن ها از صحنه ی این مبارزه ای که در آن، فتح و پیروزی حتما نصیب ملت هاست و لاغیر، مشغول پول خرج کردن و طراحی انواع نقشه هاست. (10)

**شگردهای استکبار برای خروج نسل جوان از صحنه ی مقاومت**

\*\*متن=هر حرکتی که منجر به این بشود که نسل جوان احساس کند باید از صحنه ی مقاومت کناره بگیرد، این حرکت، با واسطه یا بی واسطه، مربوط به آمریکا و نظام استکباری است؛ این یک معیار کلی است. هر کاری که در کشورهای دیگر کردند، این جا می خواهند بکنند: سرگرم کردن جوانان به مسائل جنسی، سرگرم کردن جوانان به مسائل شخصی، آورده کردن جوانان به مواد مخدر و مسکر، منحرف کردن ذهن جوانان از آرمان های انقلابی و اهداف اصلی، متوجه کردن آن ها به اهداف کوچک و جزیی و صنفی و امثال این ها، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اسلام، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اصول انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و حتی به امام، و نیز هر چیزی که در راه این مبارزه ی عظیم به کار گرفته می شود و وجودش لازم است، آن را در چشم نسل جوان، بی رنگ و بی اثر و بی فایده و مهمل جلوه دادن. (11)

**\*سوال 1.**

**نرمش و ملایمت در برابر دشمنان باعث  چه چیزی می شود**

**الف: موجب جلب همکاری یا محبت آنها می شود**

**ب: موجب انصراف آن ها از خصومت ها و خباثت ها  می شود.**

**ج.باعث ضعیف شدن آنها می شود**

**د. هیچ کدام**

**\*سوال دوم :کنارآمدن با خواسته دشمن به چه معناست؟**

**الف: تحقیر و به اسارت دادن یک ملت**

**ب: تأمین خواسته دشمن درباره یک ملت**

**ج: فراهم کردن حمله به دشمن**

**د: الف و ب**

**\*سوال سوم: "استکبار وارد هر کشوری می شود، سعی می کند آن کشور را تهی کند" به چه معناست؟**

**الف: مشکلات اقتصادی آن کشور را حل کنند.**

**ب: مشکلات سیاسی آن کشور را حل کنند**

**ج:تا هر جا بتواند همه چیز آن کشور را به نفع خود مصادره کند**

**د: هیچ کدام**

**\*سوال چهارم :مهمترین نیازهای قطعی آمریکا چیست؟**

**الف: تردید افکنی در ارزش های اصولی**

**ب: بزرگنمایی مشکلات**

**ج: نفی موفقیت ها**

**د: همه موارد**

پاسخ سوالات خود را تا تاریخ 10آبان به امورفرهنگی ارائه نمایید .